

آپیک و تأثیر آن بر انتخابات ایالات متحده ی آمریکا

رضا سیمبر^۱ - کیانوش نظری^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۴/۲۰

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۹/۱۷

چکیده

ساختار سیاسی غیرمتمرکز و توزیع‌شده ی ایالات متحده ی آمریکا سبب شده است که جریان‌ها و تشکل‌های بسیاری بتوانند روند پیچیده ی تصمیم‌گیری سیاسی در این کشور را تحت تأثیر قرار دهند. با آن که یهودیان تنها حدود سه درصد از جمعیت آمریکا را تشکیل می‌دهند اما توانسته‌اند به تأثیرگذارترین اقلیت قومی در ساختار قدرت آمریکا تبدیل شوند. یهودیان آمریکا مجموعه ی چشمگیری از سازمان‌های مختلف را برای تأثیرگذاری بر سیاست خارجی آمریکا به وجود آورده‌اند که در این میان نقش «کمیته ی امور عمومی آمریکا و اسرائیل» (آپیک) به عنوان قدرتمندترین و شناخته‌شده‌ترین سازمان یهودی آمریکا بسیار شاخص است. این پژوهش در پی پاسخ به این پرسش است که آپیک در انتخاب اعضای کنگره و رئیس‌جمهور ایالات متحده ی آمریکا چه نقشی را ایفا می‌کند؟ در پاسخ به این پرسش فرضیه ی پژوهش بیان می‌کند که اکثر نامزدهای نمایندگی کنگره و ریاست‌جمهوری سعی می‌کنند نظر مثبت این سازمان را به خود جلب کنند و از حمایت‌های مالی و تبلیغاتی گسترده ی آن بهره‌مند شوند و در عوض سازمان آپیک نیز با ارائه ی این حمایت‌ها در پی هدایت افکار عمومی و دستگاه‌های سیاست‌گذاری خارجی آمریکا برای تحقق اهداف خود در حمایت از اسرائیل است.

واژگان کلیدی: آپیک، ایالات متحده ی آمریکا، اسرائیل، انتخابات، لابی یهود.

۱. استاد علوم سیاسی و روابط بین الملل دانشگاه گیلان rezasimbar@hotmail.com

۲. دانش آموخته کارشناسی ارشد روابط بین‌الملل kiyanoush_nazari@yahoo.com

مقدمه

یهودیان آمریکا برای تأثیرگذاری بر سیاست خارجی آمریکا و پیش برد اهداف کلان خود در این کشور مجموعه‌ی از سازمان‌ها و تشکیلات مختلف را به وجود آورده‌اند. یکی از این سازمان‌ها «کمیته‌ی امور عمومی آمریکا-اسرائیل» (آپیک)^۱ است که مسئولیت برنامه‌ریزی برای هماهنگی میان اکثر سازمان‌های یهودی در آمریکا را برعهده دارد.

آپیک طی سالیان متمادی از طریق تماس‌ها و ارتباطات سازنده با اعضای کنگره و سایر کانون‌ها و مراکز قدرت در آمریکا و به کار بستن شیوه‌ها و ترفندهای مختلف به شکل‌گیری ابتکارات قانونی به نفع اسرائیل اقدام کرده است. در بیان قدرت آپیک بیان این نکته حائز اهمیت است که در نظرسنجی انجام شده توسط مجله‌ی «فورچون»^۲ در سال ۱۹۹۷م از اعضای کنگره و کادر اداری آن‌ها در مورد فهرست قدرتمندترین لابی‌ها در واشنگتن، آپیک پس از «انجمن بازنشستگان آمریکا»^۳ در رتبه‌ی دوم قرار گرفت (میرشایمر و والت، ۱۳۸۷: ۱۴۹). این پژوهش بنابر ضرورت کسب شناختی واقع‌بینانه از روند پیچیده‌ی انتخابات در آمریکا و نقشی که گروه‌های قومی به خصوص یهودیان در قالب لابی یهود و سازمان «آپیک» در این روند ایفا می‌کنند، انجام گرفته است. آپیک با استفاده از ابزارهای سیاسی مختص به خود نظیر حمایت‌های مالی گسترده و استفاده از قدرت رسانه‌ای و تبلیغاتی از نامزدهای هم سو با نظرات سازمان در انتخابات آمریکا، درصد تأثیرگذاری هر چه بیشتر بر سیاست‌خاورمیانه‌ای آمریکا است. آپیک با راهبرد فعال کردن جامعه‌ی یهودیان آن‌ها را از اقلیتی خنثا و منفعل به جمعیتی فعال و اثرگذار و صاحب‌نفوذ تبدیل کرده است. این سازمان با تماس و نشست‌های گسترده با مسئولان بلندپایه‌ی آمریکایی مانند رئیس‌جمهوری و دیگر مسئولان بلندپایه‌ی شاخه‌ی اجرایی و نمایندگان کنگره در پی اثرگذاری بر تصمیمات آن‌ها در راستای اهداف خود است. در

1 - American Israel Public Affair Committee (AIPAC)

2 - Fortune

3 - American Association of Retired Persons (AARP)

عصر حاضر این سازمان مهم‌ترین ابزار صهیونیست‌ها در آمریکا برای تأثیرگذاری بر سیاست‌های قدرت اول دنیای کنونی در مسائل مربوط به اسرائیل و پرمناقشه‌ترین منطقه ی جهان، خاورمیانه است.

۱- چارچوب نظری: گروه های لابی

«لابی» در لغت به معنای تالار ورودی و سالن ملاقات مردم با نمایندگان است. لابی در معنای عام درخواست از کسی یا تحت فشار گذاشتن او برای انجام کاری است اما در معنای خاص به تشکیلی سیاسی گفته می‌شود که دارای اهداف و منافع مشخص و معین و برای تحقق آن‌ها به دنبال تأثیرگذاری بر روند سیاسی یا بر تصمیم‌گیرندگان است.

گردهمایی اشخاص دارای هدف‌های مشترک که تحقق هدف‌های خود را از راه اقدام سیاسی برای نفوذ گذاشتن بر سیاست عمومی جستجو می‌کنند، تعریف دیگری از گروه لابی است. بر این اساس می‌توان گفت لابی به هر گونه سازمان داوطلبانه‌ی بیرون از ساختار حکومتی گفته می‌شود که می‌کوشد بر جابه‌جایی یا انتصاب مقامات، اتخاذ سیاست عمومی و اجرا یا اصلاح آن تأثیر بگذارد (عالم، ۱۳۹۱: ۳۵۹-۳۵۸). در شرایط عادی، افکار عمومی از تشکل خاصی که تقاضا و خواست‌های معینی را مطرح کند، برخوردار نیست، با این حال گروه‌هایی از مردم بر اساس یک سلسله منافع و علایق مشترک به یک دیگر پیوند داده می‌شوند که این امر ممکن است به ایجاد یک لابی منجر شود که عملکردهای دولت را در عرصه‌ی داخلی و خارجی تحت‌تأثیر قرار دهد (قوام، ۱۳۹۰: ۲۴۸). یکی از مباحث دارای اهمیت در حوزه‌ی سیاسی نقش گروه‌های لابی در تعیین خط‌مشی سیاست خارجی کشورهای مختلف است. در نظام‌هایی که قدرت تصمیم‌گیری و اختیارات سیاست‌گذاری بین نهادها و کارگزاری‌های متعدد و متنوع تقسیم شده است، بازی گران بیشتری می‌توانند در فرآیند سیاست خارجی حضور و مشارکت

فعال داشته باشند (دهقانی فیروز آبادی، ۱۳۸۹: ۸۱). بنابراین هر اندازه خصیصه‌ی کثرت-گرایی در نظام سیاسی بیشتر باشد، نقش گروه‌های لابی پررنگ‌تر است.

۱-۱. گروه‌های لابی در آمریکا

«الکسیس دو توکویل»^۱ در کتاب «دموکراسی در آمریکا» نوشته است که از دهه‌ی ۱۸۳۰م. مردم آمریکا به شدت در پی ایجاد و سازماندهی گروه‌های لابی بودند و این تاریخ را شروع لابی‌گری در آمریکا عنوان می‌کند (Rosenthal, 2001: 13).

«ساموئل هانتینگتون»^۲ معتقد است با پایان جنگ سرد، ایالات متحده با نوعی سردرگمی و تردید نسبت به منافع ملی خود روبه‌رو شد که یکی از مهم‌ترین عوامل مؤثر در این سردرگمی ظهور «چند فرهنگ‌گرایی»^۳ و رنگ‌باختن رؤیای ایجاد یک «هویت آمریکایی واحد»^۴ بود. عدم وجود هویت ملی باعث شد دولت آمریکا ارزیابی درستی از منافع واقعی خود نداشته باشد و این امر کافی بود تا این دولت در برابر گروه‌های لابی که اهداف قوم‌محور دارند، مقاومت کمتری از خود نشان دهد به طوری که این گروه‌ها با نقش‌آفرینی و کسب موفقیت‌های گوناگون نقش خود را ایفاء کرده و زمینه‌ی تأثیرگذاری بر ایالات متحده را به دست آورده‌اند (Huntington, 1997: 28-49).

الگوی دولت کورپوراتیستی و به کارگیری صحیح قواعد حاکم بر آن یکی از علل موفقیت گروه‌های لابی در آمریکا است. در الگوی کورپوراتیسم فرض بر این است که حکومت‌ها نمی‌توانند علایق گروه‌های مختلف را نادیده بگیرند بلکه ماهیت دولت، مستلزم توجه به منافع این گروه‌ها به منظور حفظ ثبات است. پذیرش تلاش افراد یا سازمان‌ها

1 - Alexis De Tocqueville

2 - Samuel P. Huntington

3 - Multiculturalism

4 - Singular American Identity

برای تثبیت یا تغییر قوانین و تصریح این موضوع در قوانین آمریکا یکی از منابع این گروه-ها به حساب می‌آید (سیمبر و نظری، ۱۳۹۳: ۳۳-۹).

۲- سازمان آیپک

در آمریکا همکاری گسترده و منسجمی بین سازمان‌های یهودی برای حمایت همه‌جانبه از اسرائیل وجود دارد. تعداد سازمان‌هایی که در این حوزه فعالیت می‌کنند به بیش از ۲۵۰ نهاد می‌رسد. در این بین نقش سازمان آیپک به عنوان مؤثرترین سازمان حامی اسرائیل بسیار شاخص‌تر از دیگر سازمان‌هاست.

پس از جنگ سال ۱۹۵۶ م. اسرائیل و اعراب و فرمان «آیزنهاور»^۱، رئیس جمهور وقت آمریکا به نیروهای اسرائیلی مبنی بر عقب‌نشینی از صحرای سینا یهودیان به این نتیجه رسیدند که صرف برخورداری از تلاش‌های لابی یهودی برای دفاع از اسرائیل کافی نیست و ارتباط با کاخ سفید و وزارت امور خارجه و کنگره و دیگر مسئولان آمریکایی موجب تضمین حمایت‌های مستمر آمریکا به آینده‌ی اسرائیل نخواهد بود بلکه نیازمند تربیت مهره‌های مؤثری هستند که بتوانند با به دست آوردن مشاغل حساس و کلیدی در درون دولت آمریکا و کنگره نفوذ کنند و اهداف یهودیان را برآورده سازند. تأسیس آیپک به عنوان مهم‌ترین لابی رسمی اسرائیل در آمریکا که صدها انجمن و سازمان یهودی در سراسر آمریکا را زیر پوشش نظارت و حمایت خود قرار داده است، با همین نگاه و احساس نیاز صورت پذیرفت (سیمبر و نظری، ۱۳۹۳: ۳۳-۹). ریشه‌های پیدایش آیپک به سال ۱۹۵۱ م. و تأسیس «شورای آمریکایی - صهیونیستی»^۲ تحت رهبری «اشعیا ال. کنن»^۳، روزنامه‌نگار آژانس یهود و سخن‌گوی هیأت اسرائیل در مجمع عمومی سازمان ملل برمی‌گردد.

کنن، بنیان‌گذار آیپک در کتاب خود «خط دفاع اسرائیل: دوستان اسرائیل در

1- Dwight D. Eisenhower

2- American Zionist Council

3- Isaiah L. Kenen

واشنگتن»^۱ عنوان کرد که آپیک برای موفقیت به عنوان یک لابی تأثیرگذار باید بتواند دوستی خود را با هر دو حزب دموکرات و جمهوری‌خواه توسعه دهد و از حمایت و پشتیبانی این دو حزب اصلی آمریکا اطمینان حاصل کند. آپیک هم چنین باید با لابی‌گری قدرتمندانه‌ی خود در کنگره، رئیس‌جمهور را به عقب‌نشینی از اظهارات و سیاست‌های ضد اسراییلی ترغیب کند (Kenen, 1981: 108). از همان آغاز تأسیس آپیک رهبران اکثر سازمان‌های یهودی جامعه‌ی آمریکا به عضویت کمیته اجرایی آپیک درآمدند تا این سازمان بتواند از طریق دیگر سازمان‌های یهودی از قدرت اجرایی فراتر از چارچوب سازمانی خود برخوردار شود. به همین دلیل است که در آمریکا از آپیک به عنوان یک «سازمان هماهنگ کننده»^۲ نام برده می‌شود.

۲-۱. منابع قدرت آپیک

شیوه‌ی توزیع قدرت میان گروه‌های لابی یکسان نیست و هر گروهی که بهتر و با مهارت بیشتری بتواند از ابزار بازی سیاسی استفاده کند، می‌تواند بر روند سیاست‌گذاری در حوزه‌ی مربوط به خود، تأثیر و نفوذ بیشتری داشته باشد. لابی‌ها معمولاً خواسته‌های خود را از راه‌های مختلفی هم چون برقراری ارتباط نزدیک با نمایندگان مجلس، تلاش برای اعمال نفوذ در قوه‌ی مجریه و تحت‌تأثیر قراردادن افکار عمومی دنبال می‌کنند. به طور کلی می‌توان گفت لابی‌ها در دو سطح رسمی (حکومتی) و غیررسمی (اجتماعی) برای اهداف و منافع خود تبلیغ دارند. موفقیت یا عدم موفقیت لابی‌ها بستگی زیادی به میزان دسترسی آن‌ها به منابع قدرت (به ویژه منابع مالی) و نیز لایه‌های قدرت (سطوح تأثیرگذاری) دارد (آهوپی، ۱۳۹۰: ۱۲۶-۱۰۱). قدرت و انسجام سازمانی، اتحاد، جایگاه و میزان مشارکت اعضا در انتخابات، قدرت مخالفت، روابط حمایتی چندجانبه، میزان نفوذ در حکومت و

1 - Israel's Defense Line: Her Friends in Washington

2- Umbrella Group

آیپک و تأثیر آن بر انتخابات ایالات متحده ی آمریکا... / ۷

دسترسی به آن، انعکاس و نفوذ پیام و همگامی با ساختار سیاسی و همراهی آن از جمله فاکتورهای مؤثر در قدرت و نفوذ لابی‌ها در آمریکا هستند.

یکی از دلایل قدرت آیپک طبیعت کاملاً باز نظام سیاسی آمریکاست. در یک دموکراسی وقتی گروه نسبتاً کوچکی نسبت به مسأله‌ی خاصی جداً متعهد باشند در حالی که اکثر مردم عمدتاً نسبت به آن بی‌تفاوتند، همان گروه می‌تواند نفوذ قابل ملاحظه‌ای اعمال کند. نفوذ نامتناسب لابی‌های کوچک ولی متمرکز هنگامی که گروه‌های مخالف ضعیف یا فاقد وجود خارجی باشند حتی از این هم بیشتر است زیرا سیاستمداران مجبورند با یک رشته از منافع همکاری کنند و مردم تنها یک طرف قضیه را می‌شنوند. در میان لابی‌های موجود در آمریکا، آیپک سازمانی است که از نبود رقیب، بسیار بهره می‌برد. به عقیده‌ی یکی از سناتورهای مجلس سنا، احساسات مخالفی وجود ندارد. اگر در مخالفت با فشار آیپک رأی بدهی، هیچ کس به تو آفرین نمی‌گوید. امتیاز بزرگ آیپک این است که در واقع مخالفی ندارد (میرشایمر و والت، ۱۳۸۷: ۱۷۶-۱۷۵).

طی پنج دهه‌ی گذشته آیپک آن چنان قدرت خود را توسعه داده است که با برنامه‌های سیاسی خود حتی توانسته است دو حزب عمده‌ی آمریکا (دموکرات و جمهوری خواه) را به چالش بکشد آن چنان که امروزه از آن به عنوان سومین حزب اصلی آمریکا از آن یاد می‌شود (آزادی، ۱۳۸۲: ۲۵۱-۲۱۹). هیچ لابی دیگری ثروت، توان رسانه‌ای و قدرت قانون‌گذاری و تصمیم‌سازی آیپک را ندارد. قدرت بی‌مانند بسیج‌کنندگان آیپک را نمی‌توان نادیده گرفت. نشست سالانه‌ی آیپک که در ماه آوریل هر سال برگزار می‌شود همه‌ی رهبران اصلی کنگره، اعضای اصلی کابینه و بیش از نیمی از اعضای کنگره را به خود جلب می‌کند که نشان دهنده‌ی حمایت بی‌چون و چرا از اسرائیل است. هیچ لابی دیگری نمی‌تواند چنین حضور گسترده‌ای از سیاسیون نخبه از هر دو حزب اصلی آمریکا را تضمین کند (Petras, 2006: 170-172). این کنفرانس سالانه، بزرگترین تجمع

طرفداران اسرائیل است که هزاران نفر از پنجاه ایالت آمریکا در آن شرکت و آینده‌ی بهتری را برای اسرائیل ترسیم می‌کنند. روزنامه‌ی نیویورک تایمز تحلیل خود را در مورد آپیک این گونه بیان می‌کند: «آپیک مهم‌ترین سازمان اثرگذار در رابطه‌ی آمریکا و اسرائیل است» (www.AIPAC.org). اهمیت این گردهمایی برای مسئولان اسرائیل با توجه به این جمله‌ی «بنیامین نتانیا هو»^۱ نخست‌وزیر اسرائیل آشکار می‌شود که در کنفرانس آپیک در سال ۱۹۹۷م. گفت: «با این که هفت هزار مایل از قدس دور هستیم اما این جا احساس می‌کنم که از آن جا خارج نشده‌ام» (کریمیان، ۱۳۸۶: ۶۸۲). «همیلتون جردن»^۲، مشاور امنیت ملی «جیمی کارتر»^۳ رئیس‌جمهور سابق آمریکا در این مورد معتقد است: «آگاهی مردم از مسائل سیاسی بسیار محدود است چون حقیقت مسائل به درستی برای مردم روشن نیست، می‌توان مسائل سیاسی را از دیدگاه مشخصی برای آنان مطرح ساخت و با نگرش‌های خاص مسائل را به آنان القا کرد» (احمدی، ۱۳۸۳: ۵۵۶-۵۲۳). افکار عمومی آمریکا آگاهی زیادی از مسائل سیاسی به خصوص مسائل خاورمیانه ندارند و آپیک در راستای تأمین منافع اسرائیل، از این عدم آگاهی به بهترین شکل ممکن استفاده می‌کند.

۳- یهودیان و انتخابات در آمریکا

میزان مشارکت مردم در انتخابات آمریکا بسیار کم است. بی‌اعتمادی مردم به سیاستمداران و نخبگان سیاسی و غیرسیاسی بودن مردم از جمله دلایل مشارکت کم در انتخابات آمریکاست. با توجه به این که بخش قابل توجهی از شهروندان آمریکایی در انتخابات این کشور مشارکت ندارند و تنها بخش کوچکی از افراد بسیار باانگیزه و بسیج شده در روندهای سیاسی به ویژه سیاست خارجی تأثیرگذار هستند، سیاستمداران نیز به افراد یا گروه‌هایی که به آن‌ها پول می‌دهند و به مشهور شدن آن‌ها کمک می‌کنند، توجه ویژه‌ای

1 - Benjamin Netanyahu

2- Hamilton Jordan

3- Jimmy Carter

دارند. کسانی که اصطلاحاً به «خیرین سیاسی» معروف هستند (تری، ۱۳۸۸: ۱۹). بی‌خبری مردم و فقدان مشارکت آن‌ها در سیاست خارجی این فرصت را در اختیار لابی‌های گوناگون از جمله لابی یهود قرار داده است که از شرایط به وجود آمده به بهترین نحوه استفاده کند.

پیروزی در انتخابات آمریکا، بیش از هر چیزی به پول نیاز دارد و جمع‌آوری پول در آغاز مبارزه‌ی انتخاباتی بسیار مهم است. معمولاً کسانی که در آغاز مبارزه‌ی انتخاباتی مقدار زیادی پول جمع کنند، شانس بیشتری برای پیروزی دارند. نامزدی که به اندازه‌ی کافی پول داشته باشد، می‌تواند تیمی از بهترین مشاوران و استراتژیست‌های انتخاباتی را برای پیروزی خود بسیج کند. به علاوه توان مالی یک نامزد بیانگر آن است که وی حامیان بسیار نیرومندی دارد که آماده‌اند تمامی توان خود را برای پیروزی‌اش بسیج کنند (امجد، ۱۳۹۰: ۱۶۲).

در دهه‌ی ۱۹۷۰ م. مشاوران «جرالد فورد»^۱ و «جیمی کارتر» رؤسای جمهوری آمریکا با تأکید بر اهمیت بسیار بالای یهودیان در انتخابات، از آن به عنوان یک واقعیت سیاسی نام برده‌اند. «رابرت گلدوین»^۲، مشاور «فورد»، با اشاره به تعداد آرای یهودیان در یادداشتی به او می‌نویسد: «در میان گروه‌های قومی موجود در این کشور تنها یهودیان هستند که فعالانه و با جدیت منافع خود را در انتخابات دنبال می‌کنند و هیچ گروه دیگری در این موضوع با آنان برابری نمی‌کند. آن‌ها با انرژی تمام در مبارزات انتخاباتی هم در سطح ایالتی و هم در سطح فدرال به فعالیت می‌پردازند». «همیلتون جردن»، مشاور «کارتر» نیز به اهمیت حمایت مالی یهودیان برای احزاب سیاسی و سیاستمداران اشاره می‌کند و این خیرخواهی سیاسی را در چارچوب سنت یهود در استفاده از ثروت و دارایی خود برای منافع دیگران تعبیر می‌کند (تری، ۱۳۸۸: ۲۲-۲۰).

1- Gerald Ford
2- Robert Goldwin

«دیوید دیوک»^۱، عضو سابق کنگره ی آمریکا درباره‌ی اهمیت یهودیان در انتخابات عنوان می‌کند: «یهودیان قویترین بازیگران عملیات سرمایه‌گذاری برای حمایت انتخاباتی آمریکا به شمار می‌آیند، به گونه‌ای که کمک و حمایت آنان نسبت به هر یک از نامزدهای شاخص بسیار قاطع و مؤثر بوده است. لذا افرادی که در مقابل یهودیان سرخم می‌کنند و از آنان اطاعت می‌نمایند، همان‌هایی هستند که کمک‌های مالی هنگفتی از یهودیان دریافت می‌کنند» (دیوک، ۱۳۹۰: ۱۲۷-۱۲۶).

«استفان دی. ایساک»^۲ در کتاب «یهود و سیاست آمریکا»^۳ از یکی از اعضای کنگره نقل می‌کند که اگر در این کشور (آمریکا) بخواهید فعالیت سیاسی انجام دهید تا وقتی که از پول و حمایت مالی یهودیان بی‌بهره باشید، به جایی نمی‌رسید (فیندلی، ۱۳۷۸: ۴۷). از آن جایی که نامزد شدن در انتخابات آمریکا بسیار پرهزینه است و مقررات مربوط به کمک‌های مالی به نامزدها نارساست، این فضا برای گروه‌های لابی به خصوص لابی قدرتمند یهود میسر شده است که به واسطه‌ی این گونه کمک‌ها نفوذ سیاسی خود را افزایش دهند. موفقیت آپیک تا حدود زیادی به توانایی نفوذ آن در تأمین هزینه‌های انتخاباتی برمی‌گردد که به قانون‌گذاران و نامزدهای هم سو با نظرات سازمان پرداخت می‌شود.

۴- آپیک و انتخابات آمریکا

۴-۱. آپیک و کنگره‌ی آمریکا

اهمیت نهاد قانون‌گذاری در هر کشور توسط قانون اساسی آن کشور مشخص می‌شود. با مطالعه‌ی قانون اساسی آمریکا این نکته به دست می‌آید که از دید بنیان‌گذاران و نویسندگان قانون اساسی آمریکا، قوه‌ی مقننه در میان سه قوه از جایگاه بسیار بالایی برخوردار است. در نخستین جمله‌ی اصل اول قانون اساسی آمده است که فقط کنگره‌ی

1- David Duke

2- Stephen D. Isaacs

3- Jews and American Politics

آمریکا که شامل دو مجلس نمایندگان و سنا است، می‌تواند نقش قانون‌گذاری را در حکومت فدرال آمریکا بر عهده داشته باشد و هیچ نهاد دیگری چنین اختیاری ندارد. بنیان‌گذاران آمریکا قدرتی را به کنگره واگذار کرده‌اند که کمتر قانون اساسی کشوری به پارلمان خود می‌دهد. مطابق قانون اساسی، قوه‌ی مجریه نمی‌تواند هیچ سیاست و برنامه‌ای را بدون تعیین و تصویب هزینه‌های آن توسط کنگره به اجرا درآورد. به عبارت دیگر کنگره توان تأثیرگذاری مستقیم بر سیاست‌گذاری‌های نهاد اجرایی کشور را داراست (تائب، ۱۳۸۲: ۶۳-۳۳). با توجه به تأکید قانون اساسی بر نقش کلیدی کنگره در سیاست‌گذاری‌ها و نظارت بر عملکرد قوه‌ی مجریه، تعیین نمایندگان مجلس نمایندگان و سناتورهای مجلس سنای آمریکا از طریق انتخابات بسیار مهم است.

در کنگره همواره بحث‌های داغ و جنجالی و اظهارات ضد و نقیض در مورد مسائل مختلف انجام می‌گیرد ولی برخلاف دیگر کشورهای جهان که در کنگره از آن‌ها انتقاد می‌شود، وقتی پای اسرائیل در میان باشد، سکوت بهترین راه است. «پل فیندلی»^۱، نماینده سابق کنگره به بهترین شیوه‌ی ممکن میزان سرسپردگی نمایندگان کنگره به اسرائیل را توضیح می‌دهد. وی در کتاب «آن‌ها جسارت نمودند و سخن گفتند»^۲ می‌نویسد: «نمایندگانی که در رابطه با سیاست‌های اتخاذ شده در مورد کشورهای دیگر شبیه به عقاب‌های بلندپروازی هستند، در موارد مربوط به اسرائیل پرندگان بال شکسته‌ای می‌باشند». وی سپس از قول «ناروین ام. دایملی»^۳، معاون سابق فرماندار کالیفرنیا نقل می‌کند: «انتقاد از اسرائیل در کنست (مجلس اسرائیل) از انتقاد از آن در کنگره‌ی آمریکا، کشوری که به آزادی بیان شناخته می‌شود، ساده‌تر است» (Findly, 1989: 67&77).

نفوذ لابی یهودی و در رأس آن آپیک در کنگره‌ی آمریکا آن‌چنان زیاد است که اکثر

1- Paul Findly

2- They Dare to Speak Out: People and Institutions Confront Israel's Lobby

3- Narwin M. Daimely

سیاست‌مداران آمریکایی به آن اذعان می‌کنند. «جرج بال»^۱، معاون سابق وزارت امور خارجه آمریکا در این مورد می‌گوید: «نمایندگان کنگره در مورد سیاست خاورمیانه‌ای آمریکا همانند یک دسته حیوانات دست‌آموز عمل می‌کنند و از میان حلقه‌ای که لابی طرفدار اسرائیل درست کرده است، بالا و پایین می‌پرند» (سیمبر و نظری، ۱۳۹۳: ۳۳-۹).

از میان تمام سازمان‌های یهودی که برای کمک به اسرائیل لابی می‌کنند، آپیک نقش اصلی لابی یهودی را در کنگره ایفا می‌کند. نفوذ و قدرت این سازمان در کنگره آن‌چنان زیاد است که هر دو حزب اصلی آمریکا آن را به عنوان یک واقعیت سیاسی پذیرفته‌اند.

هماهنگی شدید بین آپیک و دولت اسرائیل آن‌چنان است که «دون برگاس»^۲، سفیر سابق اسرائیل در سودان آن را این‌گونه شرح می‌دهد: «ما در وزارت امورخارجه انتظار داشتیم اگر روزی نخست‌وزیر اسرائیل اعلام کند که زمین مسطح است، کنگره‌ی آمریکا ظرف ۲۴ ساعت پیام تبریکی جهت این کشف برای وی بفرستد» (Findly, 1989: 27).

۴-۲. آپیک و انتخاب اعضای کنگره

در انتخابات کنگره‌ی آمریکا آپیک رسماً نامزدی را معرفی نمی‌کند، بلکه برای رأی‌دهندگان اطلاعات لازم را جهت شناخت نامزدها ارائه می‌دهد. «کمیته‌های کنش سیاسی»^۳ به نیابت از جامعه‌ی یهودیان به نامزدهای انتخابات پول می‌پردازند. آپیک «لیست پرداخت»^۴ به نامزدها را در اختیار این کمیته‌ها قرار می‌دهد. این کمیته‌ها مسئولیت جمع‌آوری و ارائه‌ی کمک‌های انتخاباتی به نامزدهای تأیید شده توسط آپیک را برعهده دارند. کمیته‌های کنش سیاسی طرفدار اسرائیل توسط اعضای برجسته‌ی آپیک در ایالت‌های محل تولدشان تشکیل می‌شوند. با وجود آن‌که معمولاً هر گروه لابی دارای یک، دو یا سه کمیته‌ی کنش سیاسی

1- George Ball

2- Don Bergius

3- Political Action Committees (PAC's)

4- Money List

است ولی آیپک و گروه‌های طرفدار آن، ۱۲۸ کمیته‌ی کنش سیاسی طرفدار خود را به وجود آورده‌اند (طباطبایی، ۱۳۹۱: ۳۰۰). «دیوید بیاله»، مورخ معاصر آمریکایی می‌گوید: «آیپک از زمان جنگ شش روزه تاکنون به یکی از قدرتمندترین و مؤثرترین گروه‌های لابی در آمریکا تبدیل شده است. این سازمان با تشکیل شبکه‌ای از کمیته‌های یهودی برای کمک مالی به نامزدهای انتخابات کنگره بر مبنای معیار حمایت از اسرائیل به این چنین قدرتی رسیده است (Biale, 1980: 186-187).

فرآیند حمایت‌های مالی آیپک از نامزدهای انتخاباتی به دو روش انجام می‌شود: اولاً بسیاری از افرادی که تأمین‌کننده‌ی هزینه‌های آیپک هستند، خود از اعانه‌دهندگان مهم سیاسی نیز هستند. واشنگتن پست در سال ۲۰۰۴ م. گزارش داد که از سال ۲۰۰۰ م. به بعد هریک از اعضای هیأت مدیره‌ی آیپک به طور متوسط ۷۰۰۰۰ دلار برای مبارزات انتخاباتی به کمیته‌های کنش سیاسی کمک کرده‌اند؛ ثانیاً آیپک به نامزدها کمک می‌کند تا با سایر کمک‌کنندگان مالی در ارتباط باشند. آیپک نامزدهای بالقوه را غربال می‌کند و ملاقات با اعانه‌دهندگان بالقوه و پول جمع‌کن‌ها را ترتیب می‌دهد. آیپک با هر نامزدی که برای ورود به کنگره فعال باشد، ملاقات می‌کند. این نامزدها به طور کامل توجه می‌شوند به طوری که پیچیدگی مسأله‌ی اسرائیل و خاورمیانه به آن‌ها تفهیم شود. آیپک حتی از نامزدها می‌خواهد موضع‌نامه‌ای در مورد نظراتش راجع به روابط آمریکا و اسرائیل بنویسند. به این ترتیب تکلیف آن‌ها در مورد موضوع روشن می‌شود. «هری لوزندیل»^۲، نامزد انتخابات سال ۱۹۹۰ م. کنگره در این مورد می‌گوید: «این که طرفدار اسرائیل باشید کافی نیست. به هر نامزد انتخابات فهرستی از موضوعات بسیار مهم در مورد اسرائیل داده می‌شود که او باید نظر دقیق خود را در این مورد اعلام کند. اگر نظرات بر طبق اصول آیپک باشد، این سازمان فهرستی از هواداران اسرائیل را برای نامزد مورد نظر ارسال می‌کند تا وی برای

1 - David Biale
2- Harry Lonsdale

دریافت اعانه‌ی مبارزه‌ی انتخاباتی با آن‌ها تماس بگیرد». این گونه است که خاخام یهودی، «استفن وایز»^۱ در اظهارنظری جالب می‌گوید: «اگر نامزدهای انتخابات تنها برچسب حمایت آپیک را داشته باشند سیل پول از سراسر کشور به سوی آن‌ها سرازیر می‌شود (میرشایمر و والت، ۱۳۸۷: ۱۹۵-۱۹۲).

«هاوارد کر»^۲، مدیر اجرایی وقت آپیک، با ابراز خوشحالی از نتایج انتخابات ۱۹۹۶ کنگره‌ی آمریکا اعلام کرد: «آپیک تنها سازمانی بود که با تمام اعضای جدید کنگره ملاقات داشته است. آپیک توانست حمایت ۹۰ درصد اعضای کنگره را برای پشتیبانی از مواضع اسرائیل در موضوعات کلیدی جلب کند و ۱۵ سناتور جدید این انتخابات حمایت خود را از ادامه‌ی کمک‌های مالی به اسرائیل اعلام کردند». در این راستا یکی از مهم‌ترین برنامه‌های کاری آپیک آموزش اعضای کنگره درباره‌ی اهمیت روابط آمریکا و اسرائیل است. در این چارچوب آپیک برنامه‌ریزی کرده است تا فعالان خود را به جوامع کوچک و بزرگ پنجاه ایالت آمریکا بفرستد تا آن‌ها را در زمینه‌ی اهمیت رابطه‌ی آمریکا و اسرائیل توجیه کنند. هم‌چنین آپیک برنامه‌ریزی می‌کند، تمامی اعضای جدید مجلس نمایندگان و سنای آمریکا را درباره‌ی اهمیت رابطه‌ی آمریکا و اسرائیل آموزش دهد (طباطبایی، ۱۳۹۱: ۳۰۳-۳۰۲).

گروه‌های لابی در آمریکا اطلاعات هر عضو کنگره، کارکنان کنگره و حتی نمایندگان مجالس قانون‌گذاری ایالتی را مورد توجه قرار می‌دهند. این گروه‌ها تجزیه و تحلیل دقیقی از سوابق رأی‌گیری و بیانیه‌های مختلف بازی‌گران کلیدی از جمله رؤسای مجلس سنا و کمیته‌ی روابط خارجی را انجام می‌دهند (Newhouse, 2009: 73-88). آپیک به عنوان قدرتمندترین لابی کنگره از این قاعده مستثنا نیست. اعضای این سازمان با توجه به مکالمات و سخنرانی‌های انجام شده در کنگره، متون این سخنرانی‌ها را برای سران آپیک

1- Stephen Wise
2- Howard Kohr

می فرستند. رهبران آپیک پس از مشاهده‌ی این متون در صورت مغایرت آن با اهداف آپیک، سناتورها و اعضای مجلس نمایندگان را فرامی خواند و از آنان می‌خواهند در اظهارات خود تجدید نظر کنند. آپیک آن چنان در این کار موفق است که تبدیل به الگویی مناسب برای دیگر گروه‌های لابی مستقر در کنگره شده است (Organski, 1990: 19). این راهکار به آپیک اجازه می‌دهد که سوابق آرای کنگره را در اختیار داشته باشد تا بتواند در آینده تصمیم بگیرد که از کدام نامزدها حمایت مالی و تبلیغاتی به عمل آورد یا بر ضد کدام یک از آن‌ها فعالیت کند.

اعضای آپیک به بررسی و کنترل نامزدهای انتخاباتی می‌پردازند و آن‌ها را برحسب نوع دیدگاه و عملکردی که نسبت به اسرائیل دارند، به خوب و بد تقسیم می‌کنند سپس برای کسانی که در گروه بد قرار می‌گیرند برنامه‌ریزی می‌کنند تا در مبارزات انتخاباتی شکست بخورند (تری، ۱۳۸۸: ۱۰۴).

فعالیت‌های کنگره و بسیاری از کمیته‌های وابسته به آن به صورت علنی برگزار می‌شود و در موارد مربوط به اسرائیل قطعاً نماینده‌ای از آپیک حضور دارد. این حضور از آن حکایت دارد که کوچک‌ترین نکته‌ی منفی طرح‌شده درباره‌ی اسرائیل به سرعت به آپیک منتقل می‌شود. نماینده‌ای که یادآور شمشیر اساطیری یونان، «دموکلس»^۱ است. شمشیر آویزانی که هر لحظه امکان داشت بر سر افراد فرود آید که کنایه از خطر مداومی است که در کمین اشخاص قرار داشت. ناخشنودی آپیک از اظهارات هرکدام از اعضای کنگره سبب فعال شدن سیستمی به نام «آژیر اقدام آپیک» می‌شود. بعد از فعال شدن این آژیر علائم مخصوصی برای صدها نفر از افراد بانفوذ یهودی شامل سرمایه‌داران بزرگ، مقامات رسمی و رهبران گروه‌های یهودی فرستاده می‌شود و آن‌ها به طور هم‌زمان عضو مورد نظر کنگره را آماج تهدیدات تلفنی و نمابرهای گسترده قرار می‌دهند تا وی اظهارات خود را به جانب

1- Damocles

اسرائیل تغییر دهد (اکتار، ۱۳۸۷: ۱۰۹ و ۱۱۳).

تمهیدات آپیک در ارتباط با نمایندگان کنگره‌ی آمریکا بسیار موفق است. «استیفن والت»^۱، استاد دانشگاه هاروارد در مورد قدرت آپیک می‌گوید: «اگر شما یک نماینده در کنگره آمریکا هستید و در زمینه‌ی مسائل مربوط به اسرائیل نظر خاصی ندارید، ترجیح می‌دهید زرنگی کرده و از اسرائیل حمایت کنید در غیر این صورت ممکن است عواقب خطرناکی برایتان داشته باشد. اگر شما به عنوان کسی که از اسرائیل حمایت نمی‌کند مشهور شوید، ممکن است در انتخابات بعدی با دردسر مواجه شوید، چرا که پول بیشتری به حساب رقیب انتخاباتی شما سرازیر می‌شود» (قاسمی، ۱۳۸۸: ۷۳-۵۲). آپیک با کمک رسانه‌های نزدیک به لابی یهود که شامل اکثر رسانه‌های بزرگ آمریکا می‌شود، می‌تواند فضای تبلیغاتی مناسبی اعم از مثبت یا منفی برای هرکدام از اعضای کنگره آمریکا به وجود آورد. سیستم بی‌نقص آپیک رسانه‌های وابسته به خود را به نوشتن مطالب مورد نظر سازمان در مورد نمایندگان کنگره وادار می‌کند. قدرت این سازمان به اندازه‌ی است که به «شاه کنگره»^۲ معروف شده است و نمایندگان کنگره نیز به طعنه و برای تشبیه فشارهای ویرانگر این لابی آن را «ماه‌یچه‌ی یهود»^۳ نامیده‌اند (سیمبر و نظری، ۱۳۹۳: ۳۳-۹).

«استیون روزن»^۴ از مقامات سابق آپیک قدرت این سازمان در کنگره را با اشاره به یک دستمال سفره بدین گونه تشریح می‌کند: «ما می‌توانستیم در کمتر از ۲۴ ساعت امضای ۷۰ سناتور را روی این دستمال سفره داشته باشیم». در تأیید سخنان وی یکی از کارمندان کنگره می‌گوید: «ما می‌توانیم به خوبی روی اکثریت مجلس نمایندگان، ۲۵۰ تا ۳۰۰ عضو، حساب کنیم که به طور غیرارادی طبق خواسته‌های آپیک عمل می‌کنند» البته باید در نظر داشت که این تنها خود قانون‌گذاران نیستند که می‌توانند لوایح را به سمت حمایت از

1- Stephen M. Walt

2- The king of the Hill

3- Jew muscle

4- Steven Rosen

اسرائیل متمایل کنند. کارمندان کنگره در کانون فرایند قانون گذاری قرار دارند. همان طور که «موریس آمیتی»^۱، مدیر اجرایی سابق آبیک زمانی می گفت: «عده ی زیادی به عنوان کارمند در این جا (کنگره) هستند که برحسب اتفاق یهودی هستند. همه ی این افراد در موقعیتی هستند که در زمینه ی حمایت از اسرائیل برای سناتورها تصمیم گیری می کنند و شما می توانید از طریق این نوع کارمندان کارهای زیادی در کنگره انجام دهید» (میرشایمر و والت، ۱۳۸۷: ۱۱ و ۱۹). اکثر اعضای کنگره تلاش می کنند از دستورات آبیک اطاعت کنند، به عقیده ی آن ها آبیک آن چنان قدرتمند است که در مقابل آن ها موفقیت های پیروزی یا شکست را قرار می دهد. قدرت تأثیرگذاری آبیک بر چشم انداز انتخاباتی یک سیاست مدار مثل روز روشن است. «جیمی کارتر»، رئیس جمهور اسبق آمریکا با تأیید این نکته می گوید: «برای هر عضو کنگره که بخواهد دوباره انتخاب شود پذیرش هر نوع موضعی که مخالف با سیاست دولت اسرائیل تعبیر شود در حکم خودکشی سیاسی است». سناتور «ویلیام فولبرایت»^۲، رئیس سابق کمیته ی روابط خارجی سنای آمریکا با بیان این که میلیون ها آمریکایی ناظرند که چگونه سیاست خارجی کشورشان از سوی اقلیتی ناچیز که دارای گروه فشار قوی هستند، اداره می شود، عقلانیت سیاست خاورمیانه ای آمریکا را زیر پرسش برد. وی گفت: «مجلس سنای آمریکا زیر سلطه ی اسرائیل قرار دارد». همین جمله باعث شد تا وی که یکی از سرشناس ترین شخصیت های سیاسی ایالت آرکانزاس محسوب می شد و یهودیان همواره او را به عنوان یک قهرمان می ستودند و ستاره ی اقبالش می توانست برای سالیان درازی در پهنه ی سیاست آمریکا بدرخشد، ناگهان بختش واژگون شود و ماشین تبلیغات آبیک علیه او به کار بیفتد و در انتخابات بعدی جای خود را به «دیل بامبرز»^۳ سناتور هوادار اسرائیل بدهد (کریمیان، ۱۳۸۶: ۶۶۷).

1- Morris Amity

2- William Fulbright

3- Dale Bamberz

سناتور «چارلز پرسی»^۱ یکی از مشهورترین سیاستمداران است که بهای مخالفت با آپیک را پرداخت. پرسی با وجود سابقه‌ی خوب خود در طرفداری از اسرائیل به دلیل اکراه در امضای نامه‌ی موسوم به «نامه‌ی ۷۶» که اعتراضی به تهدید «فورد»، رئیس‌جمهور وقت آمریکا مبنی بر بازنگری سیاست خاورمیانه‌ای آمریکا بود، مورد خشم آپیک (ترتیب دهنده‌ی آن نامه) قرار گرفت و در انتخابات شکست خورد. بعدها «توماس داین»^۲، مدیر اجرایی وقت آپیک، پس از شکست پرسی با غرور گفت: «تمام یهودیان آمریکا از ساحل به ساحل برای اخراج «پرسی» جمع شدند. سیاستمداران آمریکایی آن‌هایی که اکنون مقام دولتی دارند و آن‌هایی که در سودای آن هستند، پیام را دریافت کرده‌اند. پیام روشن و واضح است، هر سناتور یا نماینده‌ای که با آپیک درافتد، با آتش بازی کرده است (میرشایمر و والت، ۱۳۸۷: ۱۹۸-۱۹۷). از آن زمان تاکنون عبارت «پرسی را به خاطر داشته باش» تبدیل به تعبیری شده است که عملاً ذهن نمایندگان کنگره را در آستانه‌ی رأی دادن به طرح‌ها و لوایحی که به اسرائیل مربوط است، مشغول می‌سازد. نامزدهای انتخاباتی در آمریکا علاقمند به همکاری با آپیک هستند. آن‌ها به خوبی می‌دانند که تنها در صورتی می‌توانند به کمک‌های مالی و تبلیغاتی و حضور رأی‌دهندگان یهودی امیدوار باشند که سازمان سرشناسی هم چون آپیک آن‌ها را تأیید کند.

سناتور «دانیل اینویه»^۳ دلیل امضای نامه‌ی بالا را این‌گونه بیان می‌کند: «امضای یک نامه خیلی راحت‌تر از پاسخ به هزاران نفر (اعضای آپیک) است. سناتور «جان کالور»^۴ نیز بعدها اذعان کرد: «فشار برای امضای نامه خیلی زیاد بود، بنابراین تسلیم شدم» (Tillman, 1982: 67). «دیوید نیوسوم»^۵، دیپلمات کهنه‌کار که به عنوان دستیار وزیر

1- Charles Persi
 2- Thomas A. Dine
 3- Daniel Inouye
 4- John Calver
 5- David D. Newsom

امور خارجه در دولت «نیکسون»^۱ و معاون وزیر امور خارجه در دولت «کارت» خدمت کرده است، می‌گوید: «هنگامی که از عضوی برجسته در کنگره دلیل قدرت بی‌نظیر آبیک را پرسیدم، او پاسخ داد: پول، به همین سادگی» (Newsom, 1996: 187). اختصاص بودجه‌ی مخفی یک میلیون دلاری برای شکست سینتیا مک کینی^۲، سناتور ایالت جورجیا و تأیید مجدد وی پس از تعدیل نظراتش در مورد اسراییل بیانگر قدرت بسیار زیاد آبیک در کنگره است (Petras, 2006: 172).

۴-۳- انتخابات ریاست جمهوری آمریکا

انتخاب رئیس‌جمهور آمریکا به شیوه‌ای منحصربه‌فرد و خاص انجام می‌پذیرد. در این انتخابات نامزد انتخاب شده براساس آرای مستقیم شهروندان آمریکایی به کاخ سفید فرستاده نمی‌شود و وظیفه‌ی انتخاب رئیس‌جمهور بر عهده‌ی اعضای «هیأت‌های انتخاباتی»^۳ است.

سیستم هیأت‌های انتخاباتی، سیستمی مبتنی بر «همه از آن برنده»^۴ است. این سیستم بدین‌گونه است که هر نامزدی که بیشترین آرای عمومی مردم را در یک ایالت به دست آورد، تمامی آرای اکثرال همان ایالت را از آن خود خواهد کرد. تعداد کل هیأت‌های انتخاباتی ۵۳۸ نفر است. هر ایالت به تعداد نمایندگان خود در کنگره دارای اعضای هیأت‌های انتخاباتی است. (تعداد نمایندگان مجلس نمایندگان ۴۳۵ و شمار سناتورهای مجلس سنا ۱۰۰ نفر است. سه نفر نیز به بخش کلمبیا، مرکز دولت فدرال یعنی واشنگتن تعلق دارد). در رأی‌گیری به این صورت ارزش و اهمیت ایالت‌های پرجمعیت در انتخابات به مراتب بیشتر از ایالت‌های کم‌جمعیت است. برای انتخاب‌شدن به عنوان رئیس‌جمهور،

1- Richard M. Nixon
2- Cynthia McKinny
3- Electoral Collage
4- Winner- Take- All

یک نامزد باید نصف به علاوه یک از ۵۳۸ رأی هیأت‌های انتخاباتی را به دست آورد. بنابراین نامزدی مورد نظر برای برنده شدن به ۲۷۰ رأی احتیاج دارد، اگرچه تعداد آرای مردمی وی در مقایسه با رقیبش کمتر باشد که این مورد یکی از مهم‌ترین نقایص شیوهی انتخاب رئیس‌جمهور در آمریکا است. در طول تاریخ برگزاری انتخابات آمریکا چهار بار در سال‌های ۱۸۷۶، ۱۸۸۸، ۱۹۶۰ و ۲۰۰۰ م. به ترتیب «هایس»^۱، «هاریسون»^۲، «کندی»^۳ و «بوش»^۴ علی‌رغم اخذ آرای کمتر از رقیب خود، به عنوان رئیس‌جمهور انتخاب شدند (خلف رضایی، ۱۳۸۳: ۱۳۹-۱۰۷).

۴-۴. آپیک و انتخابات ریاست جمهوری آمریکا

یهودیان آمریکا در هنگام انتخابات ریاست‌جمهوری که از آن به عنوان «بورس سیاسی» یاد می‌شود، حالت فوق‌العاده‌ای به خود می‌گیرد و فعالیت آن‌ها به اوج می‌رسد. تلاش‌های لابی یهود در چگونگی نفوذ به کاخ سفید به عنوان قرارگاه اصلی تصمیم‌گیری در آمریکا متمرکز است. در حالی که میزان مشارکت مردم در انتخابات آمریکا به طور متوسط بین ۵۰ تا ۶۰ درصد است، بیش از ۹۰ درصد یهودیان آمریکا در انتخابات شرکت می‌کنند. بیش از ۸۰ درصد از یهودیان آمریکا در ایالت‌های پرجمعیتی نظیر «کالیفرنیا»، «فلوریدا»، «نیویورک»، «پنسیلوانیا» و «ایلینویز» زندگی می‌کنند. این نحوه‌ی توزیع جمعیت می‌تواند در انتخابات ریاست جمهوری بسیار مهم باشد.

در سیستم رأی‌گیری الکترونیکی گاهی اوقات چند ۱۰۰۰ رأی می‌تواند در انتخابات ریاست جمهوری تعیین‌کننده باشد. به کارگیری آرای یهودیان توسط سازمان‌های تحت پوشش آپیک، یکی از مهم‌ترین منابع انسانی این سازمان است که می‌تواند آن را در جهت

1- Rutherford Hayes
2- Benjamin Harrison
3- John F. Kennedy
4- George W. Bush

اهداف سازمانی در اختیار هر نامزد قرار دهد. مثال بارز در این مورد انتخابات ریاست جمهوری در سال ۲۰۰۰م است که در آن «جورج بوش» تنها با اختلاف ۵۳۷ رأی در ایالت فلوریدا هر ۲۷ کالج انتخاباتی این ایالت را به دست آورد و به ریاست جمهوری آمریکا برگزیده شد (سیمبر و نظری، ۱۳۹۳: ۳۳-۹). آپیک، بزرگ ترین سازمان یهودی مستقر در آمریکا، هماهنگ کننده ی دیگر سازمان های بزرگ یهودی در آن کشور است و در کمیته ی اجرایی آن رؤسای ۴۰ سازمان یهودی با ۴۵۰۰۰۰۰ عضو وجود دارد. هم چنین این سازمان شبکه ای از ۷۵ سازمان یهودی برای فعال کردن جامعه ی یهودیان به وجود آورده است. بنابراین در انتخابات تنگاتنگ رأی یهودیان در ایالت های کلیدی می تواند تعادل را بر هم بزند.

در آمریکا پول ابزاری است که حمایت می آورد و در مقابل تعیین می کند در ازای این حمایت چه بهایی باید متقبل شد. به گزارش «دیوید استاینر»^۱، یکی از اعضای ارشد آپیک، این کمیته در جریان مبارزات انتخاباتی سال ۱۹۹۱ م با جمع آوری بیش از ۶۰۰۰۰۰۰ دلار کمک مالی از یهودیان آمریکا به یاری «بیل کلینتون»^۲ شتافت. دوران ریاست جمهوری «کلینتون» یکی از بهترین دوره های قابل تصور برای آپیک و اسرائیل به شمار می آید. «کلینتون» که یکی از دلایل انتخاب خود را حمایت های گسترده ی مالی و تبلیغاتی یهودیان، به خصوص سازمان آپیک می دانست در حدود ۲۵ درصد از مناصب مختلف کابینه ی خود را به آنان اختصاص داد. وجود بسیاری از مدیران ارشد آپیک در مناصب مهم و کلیدی آمریکا در دوره ی «کلینتون» وجود نوعی الیگارشسی پرنفوذ را به نمایش می گذاشت و شائبه ی تبدیل تدریجی دولت را به یک «دولت اقلیت قومی» تقویت می کرد (بابازاده، ۱۳۸۳: ۲۱۴-۱۸۳). حمایت های اقتصادی آمریکا از اسرائیل در دوره ی

1- David Steiner
2- Bill Clinton

«کلیتون» به بهترین حالت دنبال شد به گونه‌ای که روزنامه‌ی «یدیوت آهارانوت»^۱ در ستایش «کلیتون» نوشت: «همانا نام «کلیتون» در تاریخ اسرائیل به عنوان اولین رئیس جمهور آمریکایی ثبت خواهد شد که فرزندی مطیع برای پدرش، اسرائیل است. فرزندی که اصلاً نمی‌داند چگونه به پدرش نه بگوید» (ستاری، ۱۳۸۲: ۱۸۰-۱۳۵).

آپیک یک فهرست سیاه دارد که در قالب هفته‌نامه‌ای بنام «اکتیویتیز»^۲ منتشر می‌شود. این هفته‌نامه ویژه‌ی انتشار اسامی افراد و سازمان‌هایی است که از اسرائیل انتقاد می‌کنند. این در حالی است که آپیک رابطه‌ی خود را با این نشریه علنی نمی‌کند (قویدل، ۱۳۸۰: ۲۳۲-۲۲۱). این لیست باعث شده است که بسیاری از سیاست‌مداران مواضع منفی خود را نسبت به اسرائیل تغییر دهند. به عنوان نمونه «باب‌دول»^۳، نامزد سابق ریاست جمهوری آمریکا و جمهوری‌خواه میانه‌رو مواضع افراطی خود را تعدیل کرد تا حمایت کلیدی رأی‌دهندگان محافظه‌کار (طرفداران سنتی اسرائیل) را به دست آورد. شخصی که هیچ وقت حامی سرسخت اسرائیل تلقی نمی‌شد، ناگهان خود را در آغوش محافظه‌کاران‌نو طرفدار حزب لیکود اسرائیل (حزب نزدیک به آپیک) دید (Hadar, 1996: 89-97).

از مواردی که نشان‌دهنده‌ی قدرت بی‌نظیر آپیک و سیطره‌ی گسترده‌ی این سازمان بر کنگره و قوه‌ی مجریه آمریکاست، دستگیری «لری فرانکلین»^۴ به همراه دو تن از سران آپیک به نام‌های «استیون روزن» و «کیت ویزمن»^۵ است. «فرانکلین»، تحلیل‌گر برجسته‌ی پنتاگون، به اتهام ارائه‌ی اسناد محرمانه در مورد سیاست آمریکا در قبال ایران به آپیک، دستگیر شد. وی این اسناد را به «روزن»، مدیر تحقیقات خارجی آپیک، و «ویزمن»، کارشناس امور ایران و معاون سیاست خارجی این سازمان، تحویل می‌داد و این دو نیز

1- Yedioth Ahronoth
 2- Activities
 3- Bob Dole
 4- Larry Franklin
 5- Keith Weismann

اسناد را به سفارت اسرائیل در آمریکا تحویل می‌دادند. پس از اعتراف «فرانکلین» به تحویل اسناد فوق‌محرمانه به اسرائیل و متعاقب آن دستگیری «روزن» و «ویزمن» و افشای این اتفاقات توسط شبکه‌ی سی‌بی‌اس آپیک مبارزه‌ی گسترده‌ای را در حمایت از فعالیت‌های سازمان و رهبران آن آغاز کرد. علی‌رغم درج نام آپیک در یکی از اصلی‌ترین کیفرخواست‌های جاسوسی، رهبران دو حزب اصلی آمریکا در کنگره و «کاندولیزا رایس»^۱، وزیر امور خارجه‌ی وقت ضمن ایراد سخنرانی در کنگره که با تأیید اعضای کنگره مواجه شد، حمایت همه‌جانبه‌ی خود را از آپیک و اسرائیل اعلام کردند. در تاریخ آمریکا هیچ وقت این تعداد از سیاست‌مداران آمریکایی از سازمانی که متهم به جاسوسی علیه‌ی آمریکا بوده است، حمایت نکرده‌اند (Petras, 2006: 77-78). این گونه اقدامات آپیک به دلیل منافات با منافع ملی آمریکا همیشه با مخالفت گسترده‌ی مردم آمریکا مواجه می‌شود اما سیاست‌مداران آمریکایی به دلایل متعدد همیشه درستی مواضع آپیک را تأیید می‌کنند. آپیک با هزاران عضو ثروتمند و بودجه‌ی سالانه‌ی ده‌ها میلیون دلاری خود، تأثیرات بسیار بیشتری نسبت به مردم عادی بر رفتار سیاسی نمایندگان کنگره، احزاب سیاسی و مقامات اجرایی آمریکا دارد.

نتیجه‌گیری

با توجه به ساختار باز سیاسی آمریکا گروه‌های لابی می‌توانند به نحوی مؤثر بر تصمیم‌گیری‌های کلان این کشور تأثیر بگذارند. قدرت نفوذ و تأثیرگذاری بسیار زیاد گروه‌های لابی یهودی و در رأس آن‌ها آپیک در جهت‌دهی به سیاست خارجی آمریکا در خاورمیانه بر سیاست‌مداران و تحلیل‌گران سیاسی پوشیده نیست. آپیک سازمانی است که از همان آغاز تأسیس، مأموریت تقویت روابط بین آمریکا و اسرائیل را برعهده داشت. اصلی‌ترین راهکارهای این سازمان برای تحقق اهداف خود برقراری ارتباط نزدیک با نمایندگان کنگره

(مجلس نمایندگان و سنا)، تلاش برای مجاب کردن آنان به حمایت از خواسته‌های این سازمان در عرصه ی قانونگذاری و تلاش برای اعمال نفوذ در قوه‌ی مجریه از راه ورود افراد مورد نظر سازمان در پست‌های کلیدی است. با توجه به قدرت زیاد اقتصادی و تبلیغاتی آپیک اکثر نامزدهای انتخاباتی آمریکا (انتخابات کنگره و ریاست جمهوری) سعی می‌کنند نظر مثبت این سازمان را به خود جلب کرده و از حمایت‌های مالی و تبلیغاتی آن بهره‌مند شوند. آپیک با ارائه این حمایت‌های گسترده از نامزدهایی که نظراتی هماهنگ و هم سو با این سازمان دارند، در پی هدایت دستگاه سیاست گذاری خارجی آمریکا برای حمایت همه‌جانبه از اسرائیل است. نفوذ آپیک به عنوان سخن گوی سیاست اسرائیل در آمریکا به گونه‌ای است که در بسیاری از موارد نمایندگان کنگره و حتی رؤسای جمهور آمریکا مجبور شده‌اند علی رغم میل باطنیشان سیاست‌هایشان را با سیاست‌های اسرائیل هماهنگ کنند. بسیاری از مبانی اساسی سیاست آمریکا در خاورمیانه بر پایه تعهد این کشور به اسرائیل بنا شده است و آمریکا به اسرائیل به عنوان یک سرمایه ی راهبردی نگاه می‌کند و همواره در تلاش است تا اسرائیل را به قدرتمندترین کشور خاورمیانه تبدیل کند. صدها میلیون آمریکایی به این نکته واقف هستند که چگونه سیاست خارجی کشورشان در مورد منطقه‌ی خاورمیانه توسط اقلیتی قومی که دارای گروه فشاری فوق‌العاده قدرتمند هستند، اداره می‌شود.

منابع

- آزادی، نبی (۱۳۸۲)، «آمریکا و اسرائیل: روابط استراتژیک، کتاب آمریکا ۳»، ویژه‌ی روابط آمریکا و اسرائیل، تهران، مؤسسه‌ی ابرار معاصر.
- آهویی، مهدی (۱۳۹۰)، «نقش لابی اسرائیل در سیاست خارجی ایالات متحده ی، از اسطوره تا واقعیت»، فصلنامه مطالعات جهان، شماره یک، صص ۱۲۶-۱۰۱.
- احمدی، کورش (۱۳۸۳)، «انتخابات ریاست جمهوری آمریکا و آثار آن بر سیاست خارجی این کشور»، فصلنامه سیاست خارجی، شماره ۷۱، صص ۵۵۶-۵۲۳.
- احمدی لفورکی، بهزاد (۱۳۸۷)، «لابی و لابی‌گر در آمریکا»، تهران، مؤسسه‌ی ابرار معاصر.
- اکتار، عدنان (۱۳۸۷)، «تاریخ ناگفته و پنهان آمریکا»، ترجمه‌ی نصیر صاحب خلق، تهران، نشر هلال.
- امجد، محمد (۱۳۹۰)، «سیاست و حکومت در آمریکا»، تهران، سمت.
- بابازاده، رحیم (۱۳۸۳)، «نقش آیپک در فرایند سیاست‌گذاری خارجی آمریکا»، مجله مصباح، شماره ۵۵، صص ۲۱۴-۱۸۳.
- تائب، سعید (۱۳۸۲)، «انتخابات کنگره آمریکا، کتاب آمریکا ۵»، ویژه‌ی نظام انتخاباتی آمریکا، تهران، مؤسسه‌ی ابرار معاصر.
- تری، جنیس جی (۱۳۸۸)، «سیاست خارجی آمریکا در خاورمیانه: نقش لابی‌ها و گروه‌های ذی‌نفع»، ترجمه‌ی ارسلان قربانی شیخ‌نشین و رضا سیمبر، تهران، سمت.
- دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال (۱۳۸۹)، «سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، تهران، سمت.
- خلف‌رضایی، محمود (۱۳۸۳)، «ماهیت و کارکرد هیئت‌های انتخاباتی در انتخاب ریاست جمهوری آمریکا»، کتاب آمریکا ۵، ویژه‌ی نظام انتخاباتی آمریکا، تهران، مؤسسه‌ی ابرار معاصر.

دیوک، دیوید (۱۳۹۰)، «هولوکاست و نفوذ یهودیان در آمریکا»، ترجمه محمدرضا میرزا جان، تهران، مؤسسه فرهنگی هنری قدر ولایت.

ستاری، سجاد (۱۳۸۲)، «تحلیل ادواری تعاملات استراتژیک ایالات متحده ی آمریکا و اسرائیل از آغاز تاکنون، کتاب آمریکا ۳»، ویژه‌ی روابط آمریکا و اسرائیل، تهران، مؤسسه‌ی ابرار معاصر.

سیمبر، رضا و نظری، کیانوش (۱۳۹۳)، «آپیک و تأثیر آن بر سیاست خاورمیانه‌ای آمریکا»، فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل، شماره ۱۱، صص ۳۳-۹.

طباطبایی، سیدعلی (۱۳۹۱)، «لابی یهودیان کارگزار تحریم ایران»، تهران، مرکز تحقیقات استراتژیک.

عالم، عبدالرحمن (۱۳۹۱)، «بنیادهای علم سیاست»، تهران، نشر نی، چاپ بیست و چهارم. فیندلی، پل (۱۳۷۸)، «فرب‌های عمدی، حقایقی در مورد آمریکا و اسرائیل»، ترجمه‌ی محمد حسین آهوئی، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه. قاسمی، مصطفی (۱۳۸۸)، «جایگاه یهود در سیاست‌گذاری‌های ایالات متحده ی آمریکا»، فصلنامه مریبان، شماره ۳۱، صص ۷۳-۵۲.

قوام، سید عبدالعلی (۱۳۹۰)، «روابط بین‌الملل، نظریه‌ها و رویکردها»، تهران، سمت، چاپ پنجم.

قویدل، مهدی (۱۳۸۰)، «داستان اختاپوس صهیونیستی در ایالات متحده ی آمریکا»، فصلنامه مطالعات منطقه‌ای، شماره ۹، صص ۲۳۲-۲۲۱.

کریمیان، احمد (۱۳۸۶)، «یهود و صهیونیسم: تحلیل عناصر قومی، تاریخی و دینی یک فاجعه»، قم، مؤسسه‌ی بوستان کتاب.

میرشایمر، جان. جی و والت، استیفن. ام (۱۳۸۷)، «گروه فشار اسرائیل و سیاست خارجی آمریکا»، ترجمه‌ی رضا کامشاد، تهران، نشر فرزانه روز.

- Biale, David (1980), *Power and Powerlessness in Jewish History*, New York, Schocken Books.
- Findly, Paul (1989), *They Dare to Speak Out: People and Institutions Confront Israel's Lobby*, Chicago, IL, and Lawrence Hill Books.
- Hadar, Leon (1996), "The Friends of Bibi (FOBs)", *the Middle East Journal of Palestinian Studies*, pp 89-97.
- Kenen, Isaiah L (1981), *Israel's Defense Line: Her Friends in Washington*, Buffalo, New York, Prometheus Books.
- Huntington, Samuel P (1997), "The Erosion of American National Interests", *Foreign Affairs*, pp 28-49.
- Newhouse, John (2009), "The Influence of Lobbies on US Foreign Policy", *Foreign Affairs*, pp 73-88.
- Newsom, David D (1996), *The Public Dimension of Foreign Policy*, Bloomington, Indiana University press.
- Organski, A. F. K (1990), *The \$36 Billion Bargain: Strategy and Politics in U.S. Assistance to Israel*, New York, Columbia UP.
- Petras, James (2006), *The Power of Israel in the United States*, Clarity Press, Inc.
- Rosenthal, A (2001), *The Third House, Lobbyists and Lobbying in the United States*, Washington D.C, CQ Press.
- Tillman, Seth (1982), *The United States in Middle East: Interests and Obstacles*, Bloomington, Indiana University press.
- <http://www.AIPAC.com>